

پیامدهای فرهنگی-اجتماعی کرونا از منظر اندیشمندان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۷

امیدعلی مسعودی *

احمدرضا مسعودی **

چکیده

زمستان سال ۱۳۹۸ شمسی و سال ۲۰۲۰ میلادی، در ایران و جهان با پدیده‌ای جدید و غافلگیرکننده به پایان رسید. شیوع ویروس کرونا، اما با پایان زمستان؛ این پدیده متوقف نشد بلکه با عالم‌گیر شدن این ویروس، وضعیت جهان و ارتباطات انسانی، دگرگون شد. قرنطینه شدن افراد در بیشتر کشورها و دیجیتالی شدن ارتباطات بدون شناخت پدیده کرونا، وعدم یا کمبود سواد رسانه‌ای افراد در استفاده از فضای مجازی، از مهم‌ترین دلایل عدم توفیق نهایی جوامع در کنترل قطعی بیماری بوده است. هدف این تحقیق، شناخت پدیده کرونا و ارائه الزامات سواد رسانه‌ای برای متوقف کردن چرخه انتشار و واگیری ویروس کرونا (کووید-۱۹) است. در این تحقیق از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. با انجام مصاحبه ساخت نیافته با ۱۵ تن از کارشناسان حوزه سواد رسانه‌ای در ایران الزامات سواد رسانه‌ای را برای پیشگیری از پدیده کرونا مشخص کرده‌ایم. نتایج تحقیق نشان داد که ۶ مضمون اصلی و ۱۰ زیرمضمون در پدیدارشناسی کرونا وجود دارند. مضامین اصلی و فرعی شامل: ۱-افزایش دانایی انسان‌ها ۲- حکومت‌ها و کرونا با دو زیرمضمون: محدودیت دموکراسی و حفظ دموکراسی، ۳-تغییر کسب‌وکارها با دو زیرمضمون: کسب‌وکار حضوری و کسب‌وکار مجازی، ۴-دین و عبادت با چهار مضمون فرعی: عبادت مجازی، زیارت مجازی، سوگواری مجازی، اعیاد مجازی مذهبی، ۵-خلق معناهای جدید و ۶-تغییر فاصله اجتماعی. الزامات سواد رسانه‌ای برای کاهش و یا توقف شیوع ویروس کرونا عبارت‌اند از: ۱-ضرورت ارتباطات مجازی، ۲-کاهش رفت‌وآمد، ۳-کاهش هزینه‌ها، ۴-کاهش دیدارهای حضوری، ۵-استفاده از فضای مجازی و ۶-آموزش محتوای پیشنهادی با ۲۰ دستورالعمل برای سواد رسانه‌ای که عمدتاً بر رعایت فاصله اجتماعی تأکید دارند.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، فضای مجازی، سواد رسانه‌ای، ویروس کرونا، دین، فاصله اجتماعی

* دانشیار گروه ارتباطات، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه سوره، تهران، ایران، masoudi@soore.ac.ir

(نویسنده مسئول).

** کارشناسی‌ارشد علوم ارتباطات، دانشگاه آزاداسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

Ahmadreza1991@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

زمستان سال ۱۳۹۸ شمسی و سال ۲۰۲۰ میلادی، در ایران و جهان با پدیده‌ای جدید و غافلگیرکننده به پایان رسید؛ اما با پایان زمستان و ویروس کرونا در مدت کوتاهی شیوع و با عالم گیر شدن این ویروس، وضعیت جهان دگرگون شد. دولت‌ها به دلیل نبود واکسن برای جلوگیری از شیوع بیماری، قرنطینه افراد در منازل و تعطیلی کسب‌وکار را به‌عنوان مهم‌ترین راهکار برگزیدند. راهکاری که در صورت ادامه به بیکاری و در نتیجه فقر و فلاکت جامعه منتهی می‌شد. راه‌حل دیگر برچیدن قرنطینه بود که به انتشار ویروس و مرگ صدها هزار انسان بی‌گناه منجر می‌شد؛ اما فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی راه‌حل سومی را پیش روی دولت‌ها و جوامع گذاشتند و آن ادامه کار و زندگی در فضای مجازی بود. بدین ترتیب مشاغل رفت‌وآمدها و دادوستدهایشان را برخط کردند. بانک‌ها نقل‌وانتقال پول را به فضای مجازی بردند. آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها به‌صورت وینار ادامه یافت. رسانه‌های جریان اصلی (رادیو، تلویزیون و مطبوعات) با همگرایی با رسانه‌های جایگزین (شبکه‌های مجازی، میکرو بلاگ‌ها و پلتفرم‌ها) ارتباطات حضوری را به ارتباطات غیرحضوری انتقال دادند. دیجیتالی شدن ارتباطات بدون شناخت پدیده کرونا و عدم یا کمبود سواد رسانه‌ای افراد در استفاده از فناوری‌ها و کاهش مرگ‌ومیر بیماران کرونایی، از مهم‌ترین دلایل عدم توفیق نهایی کشورها در کنترل قطعی بیماری بوده است. مسئله این تحقیق همین عدم شناخت از پدیده کرونا و ضرورت‌ها و الزامات سواد رسانه‌ای در کاهش یا متوقف کردن چرخه انتشار و واگیری ویروس کرونا (کووید-۱۹) است.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006).

به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای:

الف) دیدن متن؛

ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛

ج) تحلیل اطلاعات کیفی؛

د) مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ

(Boyatzis, 1998: 4).

شبکه مضامین را «آتراید - استرلینگ»^۱ در سال ۲۰۰۱ توسعه دادند در واقع آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به‌صورت نقش‌های شبیه شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، صص. ۱۷۰-۱۵۹).

نمونه‌گیری

شیوه نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی میدانی، نمونه‌گیری کیفی است که بدان نمونه‌گیری هدفمند یا نمونه‌گیری نظری نیز گفته می‌شود. نمونه‌گیری نظری بر اساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل ظهور می‌یابند (اشتراوس و کربن، ۱۹۹۸، ص. ۵۶). از نظر گلیزر و اشتراوس نمونه‌گیری نظری دربرگیرنده فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی است که تحلیلگر از این راه به‌طور هم‌زمان داده‌هایش را گردآوری و کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری و در کجا پیدا کند تا بدین وسیله نظریه‌اش را در حین تکوین، تدوین کند. نظریه در حال تکوین، فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷، ص. ۴۵). در هر دو حالت نمونه‌گیری از افراد، گروه‌ها میدان‌های معین بر پایه معیارهای معمول روش‌های آماری نمونه‌گیری قرار ندارد (فلاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۷). در

این تحقیق برای تحلیل مضمون کرونا با انجام مصاحبه ساخت نیافته با ۱۵ تن از کارشناسان حوزه سواد رسانه‌ای در ایران با رسیدن به اشباع نظری، الزامات سواد رسانه‌ای را برای پیشگیری از پدیده کرونا مشخص کرده‌ایم.

چارچوب مفهومی

کرونا عادت‌های ما را برهم زده است، زندگی روزانه را به طور کلی عوض کرده است. روابط انسانی به شدت تغییر یافته و باید در خانه بمانیم و ارتباطات انسانی را به حداقل برسانیم (ناصرمقدسی، ۱۳۹۹، ص. ۹). سپس این پرسش مطرح می‌شود که: آیا در جهان پساکرونايي نیز این دورکاری، در خانه ماندن و کندی زمان ادامه خواهد یافت؟ در دوره کرونا ما بیش‌ازپیش به رایانه و فضای مجازی متکی شده‌ایم. اگر تا پیش از این تا این حد از تأثیر رایانه و اینترنت سخن به میان می‌آمد، آیا کرونا شکل دیگری به عادت‌های مرتبط با فضای مجازی نخواهد داد؟ (همان، ص. ۹).

برای دستیابی به چارچوبی مفهومی ابتدا نگاه اندیشمندان به پدیده کرونا بررسی می‌شود.

استیو شابین و سناریوهای جدید

استیو شابین تاریخ‌نگار و جامعه‌شناس علم در دانشگاه هاروارد: ترس آن می‌رود که کرونا بهانه‌ای شود برای پیش بردن خودکامگی، ما با لمس کردن باهم پیوند برقرار می‌کنیم؛ با لمس کردن در غم و شادی یکدیگر شریک می‌شویم؛ اگر نتوانیم باهم سوگواری کنیم و در عروسی باهم جشن بگیریم، مشکل بتوان این مراسم را چیزی که باید دانست باشند. دست‌دادن، بوسیدن، بغل کردن-شکل شان، مدتشان و حالت انجام شان-ماهیت، معنا و شدت رابطه‌مان با یکدیگر را نشان می‌دهند (شابین، ۱۳۹۹، ص. ۲۶).

شابین بر این باور است که کووید در حال نوشتن سناریوهای جدید برای اظهار نزدیکی و ابراز تعهد است؛ با تشریفات مثل زدن آرنج‌ها به هم، زدن پاها به هم، جفت کردن کف دست‌ها و تعظیم؛ اما ما با هیچ‌کدام از این‌ها راحت نیستیم، این‌ها به ما تعلق ندارند؛ وقتی انجامشان می‌دهیم لبخندی احمقانه بر صورتمان نقش می‌بندد. کنار آمدن

با این موضوع که دوستان و خانواده‌مان برای ما و ما برای آن‌ها تهدید به حساب می‌آییم کار آسانی نیست. دست‌دادن بی‌مبالات حالا مثل رابطه جنسی محافظت نشده عملی غیرمسئولانه و شاید غیراخلاقی به حساب آید (شابین، ۱۳۹۹، ص. ۲۶).

فاصله‌گذاری^۱ به معنای فاصله‌های میان فردی و آرایش و ترتیب ارائه ارتباط‌گران، از نظر ویرجینیایی ریچموند و جیمز مک کروسکی شامل چهار حریم میان فردی می‌شود: حریم صمیمی، خصوصی‌ترین منطقه تعاملات، محدوده‌ای از لمس کردن با فاصله ۴۵ سانتی‌متر و کمتر، عشاق، دوستان بسیار نزدیک و اعضای صمیمی خانواده تنها کسانی هستند که به میل خود به آن‌ها اجازه می‌دهیم تا هر وقت که بخواهند وارد این حریم بشوند (ریچموند و کروسکی، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۸). حریم خودمانی - شخصی که هنگام گفتگو با دوستان نزدیک و افراد فامیل رعایت می‌شود. شرکای تجاری بلندمدت ما هم می‌توانند از این حریم استفاده کنند. فاصله ۴۵ سانتی‌متر و کمتر حریم منطقه خودمانی - شخصی است (همان، ص. ۲۸۳). حریم سوم از فاصله بیشتری برخوردار است. ۴۵ سانتی‌متر تا یک متر و ۲۰ سانتی‌متر که حریم اجتماعی-مشورتی نامیده می‌شود. حریمی برای انجام دادوستد، آموزش؛ فاصله بین معلم و دانش‌آموز یا والدین در مدرسه. چهارمین حریم را حریم عمومی نامیده‌اند. فاصله ۳۶۰ سانتی‌متر و بیشتر، در سخنرانی‌های عمومی فاصله بین سخنران و جمعیت که حضور چندین هزار نفر هم امکان‌پذیر است، برای تعامل و ارتباط ضروری است (همان، ص. ۲۸۴).

شابین بر رعایت فاصله اجتماعی تأکید می‌کند و می‌گوید: «به دستورالعمل‌های فاصله‌گذاری اجتماعی باید فاصله‌مان را از دیگران حفظ کنیم و پیاده‌روها، پارک‌ها و فروشگاه‌ها مکان‌هایی می‌شوند برای معلق بازی‌های گیج‌کننده به منظور دوری کردن از دیگران، آیا مسیرمان را جوری منحرف می‌کنیم که از فردی که از روبرو می‌آید دور بمانیم؟ آیا این فاصله گرفتن از روی نزاکت و نشانه این است که می‌خواهیم دیگران مریض نشوند؟ یا این کار را برای دو رماندن از خطری که آن‌ها برای ما دارند می‌کنیم؟ دیگران رفتار ما را چگونه تعبیر می‌کنند و ما چه برداشتی از رفتار آن‌ها می‌کنیم؟ آیا حفظ فاصله دو متر نشانه دوستی تلقی می‌شود یا دشمنی؟ آیا وقتی نه تب داریم نه

سرفه خشک، واقعاً خودمان را برای دیگران خطرناک می‌دانیم؟ چطور بدون بی‌احترامی کردن فاصله بگیریم؟ (شابین، ۱۳۹۹، ص. ۲۶).

اشاره شابین به دال و مدلولی است که در نشانه‌شناسی فاصله اجتماعی، وارد قراردادهای اجتماعی دیگر و تولید معناهای دیگری می‌شود؛ به‌عنوان مثال دود نشانه آتش‌سوزی است. اما آیا با در هم ریختن فاصله و حریم‌های ارتباطی همان فاصله‌ها و حریم‌های قبلی معناهای خود را حفظ کرده‌اند؟ پس فاصله اجتماعی که بر جوامع بشری برای رعایت بهداشت ضرورت یافته، اولاً معناهای جدیدی خلق کرده ثانیاً این معناها محلی و منطقه‌ای نیست بلکه جهانی است.

اسلاوی ژیزک و فاصله‌گیری جسمانی

اسلاوی ژیزک فیلسوف چک، به‌جای استفاده از اصطلاح فاصله اجتماعی از فاصله‌گیری جسمانی^۱ (اتساع بدنی) استفاده می‌کند؛ چراکه در حقیقت ما در مدت کرونا نه‌تنها از نظر فاصله اجتماعی دور نشده‌ایم بلکه از بسیاری جنبه‌ها بیش‌تر به یکدیگر نزدیک شده و درد مشترک را احساس می‌کنیم. از نظر ژیزک هیچ ویروس کرونایی نخواهد توانست این فروغ را از ما بگیرد. بنابراین امید است که فاصله‌گیری جسمانی حتی شدت پیوند ما و دیگران را افزایش دهد. حالا کسانی که از بسیاری کسانی که به من نزدیک هستند فاصله گرفته‌ام اهمیت و حضورشان را بیش از گذشته تجربه می‌کنم (ژیزک، ۱۳۹۹، صص. ۸-۹).

ژیزک در کتاب پاندمیک کووید ۱۹ جهان را تکان داد^۲ می‌نویسد: «ما در برهه‌ای از زمان زندگی می‌کنیم که بزرگترین کنش، عشق دورمانده از ابژه علاقه‌مان است. فاصله از معنایی فیزیکی گذر کرده و معناهای جدید و پیچیده‌ای در روابط بین فردی پیدا می‌کند. گرچه در فضای طبیعی اتصال فیزیکی و هم‌حضور در زمان و مکان واحد و کنش بدنی تماس مانند در آغوش گرفتن و بوسیدن جزو آیین‌های متعارف دیدار صمیمانه در ارتباط چهره به چهره است؛ سلطه کرونا بر روابط عاطفی، سبب تغییر اساسی معنی فاصله در روابط صمیمانه شد؛ یعنی دور بودن لازمه دوست داشتن و در معنایی حادث‌تر، حفظ جان فرد محبوب شد» (حسینی، ۱۳۹۹، ص. ۲۱۱).

1 -Corporeal distancing

2 -Pandemic Covid-19 Shakes the Word

تحلیل اسلاوی ژيژک درباره کرونا؛ اینجا پارادوکسی به مراتب عمیق تر در کار است؛ جهان، هرچه متصل و ارتباط یافته تر باشد، فاجعه‌ای محلی، بیشتر می‌تواند ترسی عالم‌گیر و سرانجام فاجعه‌ای به بار بیاورد. در بهار سال ۲۰۱۰، ابر ناشی از فوران آتشفشانی جزئی در ایسلند (در اصل، آشفته‌گی‌ای مختصر در مکانیسم پیچیده زندگی روی زمین) منجر به توقف ترافیک هوایی در بخش اعظم اروپا شد (ژيژک، ۱۳۹۹).

هابرماس: نادانی در برابر کرونا

یورگن هابرماس آلمانی (۱۳۹۹) که اینک از ۹۰ سالگی عبور کرده، یکی از مهم‌ترین فیلسوفان در قید حیات دنیای امروز محسوب می‌شود. او که به‌تازگی در آلمان "تاریخ فلسفه"ی بزرگ خود را در دو جلد منتشر کرده، در گفتگویی با روزنامه فرانسوی لوموند، نتایج اخلاقی و فکری اپیدمی جهانی کووید ۱۹ را می‌شکافد و قبل از هر چیز بر "نادانی" انسان تأکید می‌کند

روزنامه لوموند در نخستین سؤال از هابرماس می‌پرسد: این بحران بیماری جهانی از نظر اخلاقی، فلسفی و سیاسی چه به ما می‌آموزد؟ هابرماس پاسخ می‌دهد: «از نظر فلسفی، می‌بینیم که این اپیدمی جهانی، اندیشیدن را نزد همه تقویت کرده. نوع تفکری که تاکنون منحصر به کارشناسان بود، حالا نزد مردم عادی بیشتر شده. هر کس باید تصمیم بگیرد و دست به عمل بزند، آن‌هم با آگاهی از ندانستن...» هابرماس تأکید می‌کند که دولت‌ها و یا کارشناسان همه‌چیز را در مورد ویروس کرونا نمی‌دانند. دولت‌ها کاملاً آگاه‌اند که متخصصان ویروس‌شناس که به آنها مشاوره می‌دهند دانسته‌های محدودی دارند و بنابراین باید با اتکای به همین دانسته‌های محدود تصمیم‌گیری کنند. شهروندان نیز این وضعیت را به‌خوبی می‌بینند. هیچ‌وقت مردم به این روشنی ندیده بودند که تصمیم‌گیری سیاسی در شک و تردید و "ندانستن" انجام می‌شود. به باور هابرماس "شاید این تجربه کم‌سابقه تأثیری بر آگاهی عمومی داشته باشد".

هاروی: کرونا و نقش اقدامات انسانی

دیوید هاروی^۱ متولد بریتانیا در سال ۱۹۳۵، استاد دانشگاه نیویورک و از مهم‌ترین

1. David Harvey

نظریه پردازان چپ است. دیوید هاروی معتقد است: در وضعیت کنونی، ویروس کرونا با شدت و فراگیری بی سابقه‌اش نه تنها علوم پزشکی، بلکه پهنه علوم انسانی را نیز به تأمل واداشته است. شاید از زمانی که بشر چنین ترس و تهاجم سراسری را از سوی یک بیماری واگیر تجربه کرده بود، سده‌ای بگذرد. نکته این است که ویروس جدید کرونا نه تنها سازه‌های علوم تجربی را به چالش کشیده بلکه ایدئولوژی پایان تاریخ را — که نظام‌های اقتصادی و سیاسی حاکم بر جهان امروز را دست‌آورد نهایی بشر در حکمرانی و تنظیم جامعه می‌داند — نیز با تردیدهای بنیادینی روبرو ساخته است. پیش‌تر، این تردیدها و انتقادها در متون نظری و آکادمی‌ها طرح می‌شدند؛ اما اکنون به واسطه بیماری، ناکارآمدی دستگاه حاکم بر بخش عمده‌ای از مردم روشن شده است. این عیان‌شدگی همگانی، پیام آن را می‌دهد که جهان پس از کرونا، جهانی متفاوت خواهد بود. هر فاجعه‌ای دروازه‌های اندیشه و حیات را به سمت‌وسویی تازه می‌گشاید. از نظر هاروی، بی‌شک، ویروس‌ها همواره جهش می‌یابند؛ اما شرایطی که در آن، یک جهش تبدیل به چیزی تهدیدکننده زندگی می‌شود، به اقدامات انسان وابسته است. دو جنبه درباره این موضوع وجود دارد؛ نخست، شرایط مساعد زیست-محیطی احتمال جهش‌های شدید را افزایش می‌دهد. برای نمونه، احتمالاً دگرگونی شتابان زیست‌بوم یا سیستم‌های تشدید یا عنان‌گسیخته عرضه مواد غذایی در مثلاً مناطق نیمه‌حاره‌ای مرطوب شاید در این امر نقش داشته باشند. چنین سیستم‌هایی در بسیاری از مناطق، از جمله چین در جنوب یانگ تسه و آسیای جنوب شرقی وجود دارد. ثانیاً، شرایطی که به انتقال سریع از طریق بدن میزبان کمک می‌کند، بسیار متفاوت است. جمعیت‌های انسانی با تراکم بالا میزبان آسان و مناسبی به نظر می‌رسند. واضح است که مثلاً همه‌گیری بیماری سرخک تنها در مراکز بزرگ‌تر جمعیت شهری نشو و نما می‌کند؛ اما در مناطقی با جمعیت پراکنده به سرعت از میان می‌رود. چگونگی تعامل انسان‌ها با یکدیگر، جابه‌جایی در مکان، خودانضباطی یا فراموش کردن شستن دست‌ها، بر انتقال بیماری‌ها تأثیر می‌گذارد. در سال‌های گذشته، سارس، آنفولانزای پرندگان و آنفولانزای خوکی ظاهراً از چین یا آسیای جنوب شرقی بیرون آمدند. سال گذشته نیز چین گرفتار تب خوکی شد و ذبح جمعی خوکی‌ها و افزایش قیمت گوشت خوکی حاصل آن شد.

این‌ها را برای محکوم‌کردن چین نمی‌گوییم. مناطق فراوان دیگری وجود دارند که مخاطرات زیست-محیطی برای جهش و انتشار ویروس در آنها بالاست. آنفلوآنزای اسپانیایی در سال ۱۹۱۸ امکان دارد از کانزاس بیرون زده و آفریقا شاید ایدز را به عمل آورده باشد و قطعاً غرب نیل و ابولا را به وجود آورده است، درحالی‌که ظاهراً تب دنگی در آمریکای لاتین پدید آمده است؛ اما اثرات اقتصادی و جمعیت‌شناختی شیوع ویروس به شکاف‌ها و آسیب‌پذیری‌های از پیش موجود در مدل هژمونیک اقتصادی بستگی دارد. (هاروی، ۱۳۹۹، ص. ۳).

هاروی می‌گوید: «سفرهای بین‌المللی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ از ۸۰۰ میلیون به ۱,۴ میلیارد افزایش یافته است. این نوع مصرف‌گرایی آنی «تجربه‌محور» نیاز به سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی گسترده در فرودگاه‌ها و خطوط هوایی، هتل‌ها و رستوران‌ها، پارک‌های تفریحی و رویدادهای فرهنگی و غیره دارد. این محل انباشت سرمایه اکنون راکد است، خطوط هوایی نزدیک به ورشکستگی‌اند، هتل‌ها خالی‌اند و بی‌کاری گسترده در صنعت هتلداری قریب‌الوقوع. خوردن غذای بیرون ایده خوبی نیست و رستوران‌ها و کافه‌ها در بسیاری از مناطق بسته شده‌اند. حتی رستوران‌هایی که غذا را برای بردن به خانه تحویل می‌دهند، نیز خطرناک به حساب می‌آیند. جمعیت عظیمی از کارگران در اقتصاد کاره‌ای، یا اشکال دیگر کار پرخطر، بدون هیچ وسیله پشتیبانی محسوسی بیکار می‌شوند. رویدادهایی مانند جشنواره‌های فرهنگی، مسابقات فوتبال و بسکتبال، کنسرت‌ها، پیمان‌نامه‌های تجاری و حرفه‌ای و حتی گردهمایی‌های سیاسی و کارزارهای انتخاباتی لغو می‌شوند. این اشکال «رویدادمحور» مصرف‌گرایی تجربی منحل شده‌اند. عایدات دولت‌های محلی متوقف شده‌اند. دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل‌اند (همان، ص. ۴).

آگامبن: حکومت‌ها و محدودیت‌های کرونا

جورجو آگامبن (۱۳۹۹) می‌گوید: شیوع ویروس کرونا، از یک‌سو، احساسات نژادپرستانه علیه مردم چین و عادات فرهنگی آنها را برانگیخته و تقویت کرده است، از سوی دیگر اقدامات کنترلی چین و محدودیت‌های وضع شده از جانب این کشور برای مهار ویروس، رشک و تحسین عمومی را به‌همراه داشته است. در مقابل این همه

حرافی درمورد چین، جورجو آگامبن، فیلسوف ایتالیایی، با تمرکز بر وضعیت ایتالیا توضیح می‌دهد که چگونه حکومت‌ها به بهانه ویروس کرونا نوعی وضعیت استثنائی برای اداره امور ایجاد کرده‌اند. او می‌نویسد محدودیت‌هایی که اکنون حکومت‌ها بر آزادی تحمیل می‌کنند، از جانب مردم پذیرفته می‌شوند، آن‌هم به نام میلی همگانی برای ایمنی؛ این میل اما ساخته دست خود حکومت‌هایی است که اینک برای برآورده کردن آن وارد عمل شده‌اند (آگامبن، ۱۳۹۹، ص. ۳).

از نظر آگامبن محدودیت‌های دولت‌ها در منع ورود به مناطق آلوده شده، تعلیق همه رخدادهای و مراسم فرهنگی، تعلیق خدمات آموزشی، منع سفر شهروندان، تعلیق همه امتحاناتی که به صورت همگانی برگزار می‌شوند و همه فعالیت‌های دفترهای دولتی، به استثناء خدمات اساسی یا خدمات مربوط به آب و برق.

اجرای قرنطینه و اعمال نظارت فعال بر افرادی که با موارد تأییدشده بیماری در تماس نزدیک بوده‌اند. همه و همه آزادی را محدود کرده‌اند. محدودیتی که حکومت‌ها بر آزادی تحمیل کرده‌اند در قالب یک دور باطل منحرفانه — پذیرفته می‌شود، آن‌هم به نام میلی همگانی برای ایمنی. این میل ساخته دست خود حکومت‌هایی است که اینک برای برآورده کردن آن وارد عمل شده‌اند (آگامبن، ۱۳۹۹).^۱

فریه: سلب آزادی‌های عمومی

پائولو ویرنو فیلسوف چپ در نقد دیدگاه آگامبن می‌نویسد: مطلب اخیر جورجو آگامبن درباره ویروس کرونا مصداقی بر درستی نقد ویرنو است. فیلسوف ایتالیایی که کشورش حالا یکی از سر فهرست‌های درگیر ویروس جدید کرونا است، دولت‌ها را به «ابداع و اختراع یک اپیدمی» متهم کرده تا به این وسیله فرصتی دوباره برای اعمال شرایط استثنائی خلق کنند. او کرونا را همچون یک ویروس سرماخوردگی ساده توصیف کرده و گفته است که دولت‌ها با وجود این به دهشت عمومی دامن زده‌اند. به گفته او دولت‌ها در این شرایط با پاسخگویی به میل همگانی برای امنیت بار دیگر صحنه‌گردان وضعیت استثنائی شده‌اند و آزادی‌های عمومی را سلب کرده‌اند.

۱. این متن ترجمه‌ای است از مقاله‌ای که نخستین بار در ۲۶ فوریه ۲۰۲۰ در مجله «مانیفست»، تحت عنوان «وضعیت استثنائی برآمده از اضطراری برانگیخته نشده» منتشر شده است.

حرف‌های آگامبن به شکل متناقضی مواردی از گفته‌های راش لیمبو، گوینده یک رادیوی محافظه‌کار طرفدار دونالد ترامپ را به ذهن متبادر می‌کند. او نیز ویروس کرونا را شبیه «یک سرماخوردگی ساده» توصیف کرده بود و شیوع کرونا را به یک تست آزمایشگاهی به دست «رفیق چینی‌ها» نسبت داده بود. لیمبو معتقد است که رسانه‌ها می‌خواهند به بهانه ویروس جدید سرمایه‌گذاران را بترسانند و کسب‌وکارها را از رونق بیندازند و ترامپ را از قدرت پایین بکشند (ویرنو، ۱۳۹۹).

نکته مشترک در هر دو گفتار این است که آنها وضعیت حال حاضر را بر اساس ترس از کرونا و نه خود این بیماری و خطرات آن برای بخشی از جمعیت جهان تفسیر می‌کنند. هر دو گفتار به واسطه ور رفتن با مسئله احساسات عمومی نقد سیاسی را به حوزه داستان‌های علمی-تخیلی کشانده‌اند. در این میان خطر اصلی برای «بخشی از» جریان چپ این است که ابزارهای «کار» را از دست بدهد و به وضعیتی برسد که تفاوتش با خط فکری راست افراطی در سطح رتوریک باشد.

از نظر ویرنو، مقابله با این تهدید، نه با ایجاد شرایط استثنایی ممکن است و نه با بستن مرزها و محروم‌سازی از ارتباطات به دست دولت‌ها. مبارزه با شیوع کرونا و هر خطر فراگیر دیگر تنها با یک سازماندهی از پایین، متکثر و فراملی ممکن است. شرایط مادی چنین شکلی از سازماندهی از طریق بازتوزیع ثروت مشترک نظیر دانش و امکانات بهداشتی و منابع غذایی میسر خواهد شد.

برای حل مسئله شیوع کرونا ویرنو می‌گوید: قدم اول در جهت کنترل وضعیت این است که خودمان کنترل وضعیت را به دست بگیریم و به بازتوزیع دانش درباره این بیماری و شیوه‌های مراقبت‌های جمعی در این شرایط را خلق کنیم. هم‌زمان باید جلوی استثمار کارگران روزمزد را در این شرایط گرفت و بر حق آنها برای دسترسی به امکانات بهداشتی و مزایای مرخصی و بیمه تأکید کرد. حرکت به سمت کار داوطلبانه در جهت تولید و بازتوزیع دانش و امکانات بهداشتی می‌تواند اولین تجربه جهانی برای حرکت به سمت «جهانی دیگر» باشد.

همین حالا حرکت‌های اجتماعی در ایران برای بازتوزیع امکانات و دانش بهداشتی

و همین‌طور غلبه بر ترس و وحشت عمومی آغاز شده است؛ از جمله راه‌اندازی گروه‌های آموزش بهداشتی برای کودکان کار و زباله‌گرد، راه‌اندازی وبسایت‌هایی برای به‌روزرسانی اطلاعات در خصوص بهداشت عمومی و آماده‌سازی در برابر کرونا و اقداماتی همچون جمع‌آوری و توزیع وسایل بهداشتی در برخی محله‌ها. بنابراین ظاهراً وقت آن رسیده که مردم بی‌دولت، اوضاع را به دست بگیرند. آیا این همان چیزی نیست که همه خواهانش هستیم؟ (ویرنو، ۱۳۹۹).

نقد نظر آگامبن

ژان لوک نانسی، فیلسوف فرانسوی نیز در نقد آگامبن می‌گوید که استثناء پیش از شیوع کرونا، ویروسی و جهان‌گیر شده و حکومت‌ها صرفاً مجریان غم‌زده آن هستند. تسویه‌حساب با حکومت‌ها به این بهانه بیش از آنکه تأملی سیاسی باشد، مانوری است برای منحرف‌کردن اذهان.

جورجو می‌گوید که حکومت از هر بهانه‌ای برای برقراری وضعیت استثنائی دائم استفاده می‌کند، بی‌توجه به اینکه تماس‌ها و اتصالات تکنیکی میان تمام گونه‌ها (جابه‌جایی‌ها، انواع نقل و انتقالات، عرضه یا انتشار مواد و مانند آن) همراه با رشد جمعیت افزایش می‌یابند. جورجو توجه نمی‌کند که در جهانی که شدت تماس‌ها به حدی بی‌سابقه رسیده، استثناء به قاعده بدل می‌شود؛ و البته در کشورهای ثروتمند، رشد و تکثیر جمعیت معادل افزایش طول عمر و افزایش تعداد سالخوردگان و به طور کلی، افراد در خطر است.

اشتباهی در کار نیست: امروزه کل تمدن بشری در شک و گمان به سر می‌برد؛ در این مورد جای هیچ شکی نیست. ما با نوعی استثناء ویروسی شده — بیولوژیک، انفورماتیک، فرهنگی — رویارو شده‌ایم که جهان‌گیر شده و همه ما را گرفتار کرده است؛ و حکومت‌ها جز مجریان غم‌زده آن نیستند و تسویه‌حساب با آنها بیش از آنکه تأملی سیاسی باشد، مانوری است برای منحرف‌کردن اذهان (نانسی، ۱۳۹۹).

مونکالر: قرینه‌های تاریخی

هرفرید مونکالر^۱، پژوهشگر آلمانی، در گفت‌وگویی با «اشپیگل آنلاین» درباره نقش حکومت‌ها در مهار ویروس کرونا، برخی قرینه‌های تاریخی وضعیت کنونی را یادآوری کرده است:

هنگامی که در سال ۱۹۶۸ مجلس آلمان «قانون وضعیت فوق‌العاده» را تصویب کرد، موجی از اعتراض در این کشور به راه افتاد؛ اما این روزها که دولت آلمان بسیاری از آزادی‌های شهروندان را به دلیل بحران کرونا محدود کرده و تصمیمات گسترده‌ای بدون موافقت پارلمان این کشور اتخاذ می‌کند، هیچ بحث و واکنشی در این زمینه دیده نمی‌شود. آیا این امر مسئله‌ساز نیست؟ به باور هرفرید مونکالر تصمیمات اخیر دولت‌ها در رابطه با بحران کرونا بیشتر جنبه‌ی اداری و اجرایی دارد. بحث درباره‌ی قانون وضعیت فوق‌العاده پس از سال ۱۹۴۵ در آلمان، به دلیل حساسیت‌هایی بود که نسبت به حوادث پس از سال ۱۹۳۳ وجود داشت و در آن رژیم نازی توانسته بود با اتکا به «قانون تفویض اختیار»، پارلمان را کاملاً دور بزند و عملاً از اعتبار بیندازد؛ اما در وضعیت کنونی، قوانین دستکاری نمی‌شوند و کسی هم در قانون اساسی دست نمی‌برد؛ بنابراین در آلمان خطری متوجه دموکراسی نیست؛ اما در کشورهایی که رؤسای دولت آن‌ها مانند ترامپ، بولسونارو، پوتین و اردوغان اقتدارگرا هستند، باید روی این مسئله حساب کرد که پاندمی درها را برای دگرگونی نظام سیاسی بگشاید. فرضاً کسی مانند شی جین‌پینگ، رهبر چین که هم‌اکنون می‌خواهد خود را به‌عنوان شخصیتی فرهمند پیروز مبارزه با بحران کرونا وانمود کند، می‌تواند آغازگر این روند باشد.

مونکالر در مورد پیامدهای بحران کنونی معتقد است که دموکراسی‌های اروپای غربی این بحران را پشت سر خواهند گذاشت، اما تجربه‌های جدید انتظارات ما از

1 - Herfried Münkler

هرفرید مونکالر استاد تئوری سیاسی. او تا زمان بازنشستگی‌اش در سال ۲۰۱۸ در دانشگاه هومبولت (برلین) تدریس می‌کرده است. آثار متعدد او درباره تاریخ اندیشه‌های سیاسی در زبان آلمانی از مراجع درجه یک به شمار می‌آیند.

آینده را به طور بنیادین تغییر خواهند داد. ما هنوز نمی‌دانیم که شدت آسیب اقتصادی تا چه اندازه خواهد بود، اما احتمالاً آسیب سنگینی وارد خواهد شد. این امکان وجود دارد که بعدها از یک نقطه‌ی عطف تاریخی در سال ۲۰۲۰ سخن بگوییم.

مونکدر در برابر این پرسش که چگونه می‌توان آزادی‌های مصرح در قانون اساسی آلمان مانند آزادی اجتماعات و آزادی سفر را که این روزها محدود شده‌اند، با ارزشی به نام «مصلحت عمومی» توجیه کرد، فرمول معروف ایمانوئل کانت را یادآور می‌شود که گفته بود، آن آزادی که من توقع دارم، نباید آزادی دیگران را محدود یا تهدید کند. اگر محدودیت‌هایی که ما در حال حاضر تجربه می‌کنیم به امنیت زندگی دیگران کمک کند، این امر مشروع و موجه است؛ اما تعیین‌کننده این است که این وضعیت تا چه زمانی پایدار خواهد ماند: آیا وضعیت اضطراری از نظر زمانی محدود است یا به دستبرد برای تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی - سیاسی تبدیل خواهد شد؟ مونکدر از خطر شق دوم برای اروپای غربی نگرانی ندارد، اما به گفته‌ی او در کشورهای اقتدارگرا مانند چین، پاندمی می‌تواند دلیل خوبی باشد تا سیستم کنترل از طریق تلفن‌های موبایل و پروفایل‌های شهروندان از این‌که هست نیز گسترده‌تر شود. اگر از این طریق بتوان بر بیماری غلبه کرد، با آن خیلی چیزها را می‌توان توجیه کرد.

مونکدر در پاسخ به این پرسش که آیا شناخت از رفتار آدمی به هنگام بیماری همه‌گیر در تاریخ می‌تواند امروز به ما کمک کند، تصریح می‌کند که در گذشته بیماری‌های همه‌گیر از طریق راه‌های تجارتهی منتقل می‌شدند اما با جنگ‌ها در ارتباط بودند. هنگامی که مردم بر اثر جنگ از گرسنگی ناتوان می‌شدند، عامل بیماری کار آسانی داشت. حتی در گسترش «گریپ اسپانیایی» در سال ۱۹۱۸ نیز جنگ جهانی اول نقش مساعدکننده را داشت. جابه‌جایی عظیم نیروهای نظامی و کمبود مواد بهداشتی در جبهه‌ها، صف‌های طولانی برای دریافت غذا، اوضاع را برای گسترش این بیماری مساعد می‌کردند. در جریان جنگ سی ساله در اروپا شمار کسانی که از بیماری و گرسنگی مردند، بیش از کسانی بود که در عملیات جنگی کشته شدند.

اما پاندمی فعلی ما را در شرایط صلح تهدید می‌کند و این به باور مونکدر به‌غایت ترسناک است. در گذشته با پایان جنگ، خطر گسترش بیماری کاهش می‌یافت؛ اما

عامل‌های بیماری امروز از صلح سود می‌برند: هراندازه ما همزیستی صلح‌آمیزتری داشته باشیم، به همان نسبت گردشگردان بیشتری به دور دنیا سفر می‌کنند و زنجیره‌ی صادرات اقتصادی طولانی‌تر می‌شوند. در یک پرسش کانونی نگاه به تاریخ به ما کمک زیادی نمی‌کند؛ و آن پرسش این است که: چگونه می‌توان آسیب‌پذیری از طریق گلوبالیزاسیون را به حداقل رساند، بدون اینکه آزادی‌های شخصی و اقتصادی در درازمدت محدود شوند؟

لگرین، کرونا و کاهش سفرهای کاری

فیلیپ لگرین، بنیان‌گذار اتاق فکر باز (open) می‌گوید: دومین پیامد ماندگار بحران ویروس کرونا کاهش سفرهای کاری است. مبلغان فناوری از خیلی وقت پیش می‌گفتند ویدیوکنفرانس و گفت‌وگوی از راه دور نیاز به اغلب سفرهای کاری را برطرف خواهد کرد و بسیاری از مردم می‌توانند کارهای بیش‌تری را از خانه انجام دهند. اما تا پیش از بروز بحران کرونا، سفرهای کاری به شکلی بی‌امان در حال افزایش بود. وقتی نگرانی‌ها از تأثیر آلودگی هواپیماها بر تغییرات اقلیمی در حال افزایش است، کاهش سفرهای کاری هم دلیل محیط زیستی وهم اقتصادی پیدا می‌کند (لگرین، ۱۳۹، ص. ۲۷).

برخورد ادیان و مذاهب با شیوع کرونا، از جمله مباحث مهمی است که در مورد این پدیده مطرح می‌شود. همزیستی علم و دین از نکات مهم برای برخورد با شیوع کرونا است.

دین و رسانه‌ها در برابر کرونا

آیت الله سیدمحمدعلی علوی گرگانی از مراجع تقلید شیعیان در مصاحبه با ماهنامه عصر اندیشه می‌گوید:

تعطیلی مساجد و بقاء به معنای تعطیلی دین نیست کما اینکه مساجد و هیئت‌ها و منابر مجازی تشکیل و برنامه‌های متعددی توسط رسانه تصویری به مردم ارائه شده است. بنابراین دین جاری و ساری بوده و در صورت انجام دادن دستورات آن آثار و کارکردهای خود را دارد و تنها ابزار رسانه‌ای مفاهیم دینی برای مدتی از شکل متعارف خود بدل به ابزار دیگری شده است و این دینامیک عمل نمودن و این قدرت

تطبیق‌پذیری بر اساس شرایط زمان و مکان برای رسیدن به اهداف، کاملاً امری عقلانی و عقلایی است و کسانی که به دنبال حقیقت و ارتباط با علما هستند، راه بر آن‌ها بسته نخواهد بود (علوی گرگانی، ۱۳۹۹، ص. ۸۲).

در دوران کرونا: «استفاده از رسانه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای مختلف به منظور عزاداری مجازی و گرامی داشت یاد و خاطره درگذشتگان گسترش یافته و بر تعداد عزاداران مجازی افزوده شده است (تسلیمی تهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۲۶).

مراحل تحلیل متن‌ها

متن‌های نمونه چندین بار خوانده شد و در مرحله رویکرد انتخابی، جملات یا عباراتی که از نظر محقق به نظر می‌رسیدند مربوط به پدیده توصیف شده یا آشکارکننده آن هستند انتخاب شدند در مرحله بعد محقق به جدا کردن جملات مضمونی و تبدیل کردن و تغییر شکل دادن جملات گفته شده برای هر متن به‌طور مجزا پرداخت و انتخاب تم تجربی^۱ یا اولیه انجام شد. طبقات اولیه طراحی و مضامین در آن طبقات قرار گرفتند و با تغییر و جابجایی مضامین، تلفیق مضامین مشترک و همپوشان و حذف مضامین نابجا، مضامین اساسی مشترک پدیدار گردیدند. به عبارت دیگر عبارات، جملات و بندهای متعلق به هر کدام از متن‌ها به‌طور مجزا از متن‌های دیگر و با توجه به وجوه مشترک، در قالب مضمون‌ها و زیرمضمون‌ها سازماندهی شدند.

لازم به ذکر است که در مرحله تحلیل مضمونی داده‌ها، از مجموع نوشتارها بیش از ۷۰ تم اولیه استخراج شد. در مراحل بعدی به تدریج این تم‌ها با حذف تم‌های مشابه و همپوشان کمتر شد و در نهایت ۸ زیرمضمون و ۶ مضمون یا تم اصلی حاصل شد.

تحلیل منظرگاه اندیشمندان به کرونا

با تحلیل داده‌های حاصل از مستندات اندیشمندان و نظریه‌پردازان، هابرماس، ژیزک، هاروی، آگامبن، ویرنو، مونکلر و شاپین؛ مضامین زیر احصاء شد:

۱- افزایش دانایی انسان‌ها

همین‌که انسان می‌داند که درباره کرونا چیزی نمی‌داند، خودش نوعی آگاهی است

از نظر هابرماس در دوران کرونا انسان‌ها به تقویت اندیشه می‌پردازند و ما شاهد افزایش آگاهی عمومی خواهیم بود.

۲- حکومت‌ها و کرونا

دو زیرمضمون درباره برخورد دولت‌ها با پدیده کرونا در نظر فیلسوفان و جامعه‌شناسان وجود دارد:

۲-۱- محدودیت دموکراسی

به قول آگامبن خودکامگی دولت‌ها در وضعیت استثنائی حاکم بر جامعه که تعلیق همه رخدادهای دموکراسی را در جامعه تهدید می‌کند.

۲-۲- حفظ دموکراسی

کسانی مانند ویرنو و مونکلر برخلاف آگامبن اقدامات دولت را در چارچوب قانون و برحسب ضرورت برخورد با شیوع اپیدمی کرونا در جامعه تلقی نموده و آن را در دوران تعلیق همه رخدادهای دموکراسی و آزادی در جامعه نمی‌دانند.

۳- تغییر کسب‌وکارها

حذف دیدارهای حضوری، باعث تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها شد. به‌ویژه کسب‌وکارهای تفریحی و غیرضروری، اما بسیاری از کسب‌وکارها مانند فروشگاه‌ها و سوپرمارکت‌ها که وظیفه تأمین ارزاق عمومی مردم را بر عهده داشتند یا از تعطیلی منع شدند و یا خریدوفروش در فضای مجازی جایگزین حضور مشتریان در محل خرید شد. بدین ترتیب دو زیرمضمون در کسب‌وکارها پدیدار شد:

۳-۱- کسب‌وکار حضوری

مراکز درمانی، داروخانه‌ها، سوپرمارکت‌ها، خدمات عمومی مانند آتش‌نشانی، آب و برق از تعطیلی در امان ماندند.

۳-۲- کسب‌وکار مجازی

بسیاری از خدمات عمومی مانند دانشگاه‌ها و مدارس، سفر، زیارت و... به تغییر از محل کار و رفتن به فضای مجازی تن دادند.

۴- دین و عبادت

کرونا باعث بستن درب‌های زیارتگاه‌ها، اماکن مقدس و عبادتگاه‌ها شد. هزاران معبد،

کلیسا و مسجد در سراسر دنیا تعطیل شدند و پیروان ادیان و مذاهب برای انجام تکالیف دینی به چهار شیوه وزیر مضمون زیر متوسل شدند:

۱-۴- عبادت مجازی

استفاده از پلتفرم‌ها برای خواندن کتاب‌های مقدس، زیارت‌نامه‌ها و... در منازل بجای حضور فیزیکی در اماکن مقدسه.

۲-۴- زیارت مجازی

حضور تعداد زیادی از زائران در اماکن مقدسی چون خانه کعبه که هر سال بیش از دو میلیون زائر را پذیرا است، خطری جدی بود. که به تعطیلی زیارت خانه خدا منتهی شد و مراسم حج ۱۳۹۹ هم با محدودیت فراوان انجام شد. استفاده از زیارت مجازی از جمله راهکارها برای زائران در این محدودیت‌ها بوده است.

۳-۴- سوگواری مجازی

محدودیت‌های ناشی از شیوع کرونا ضمن ایجاد محدودیت در مراسم‌های دینی دفن قربانیان کرونا، در برگزاری مراسم‌های دینی هم محدودیت‌های جدی برای تسلی خاطر بازماندگان به وجود آورد که افراد برای تسلی بازماندگان از فضای مجازی استفاده کردند. عزاداری‌های مذهبی هم در مراسم‌هایی چون عاشورا بیشتر به فضای رسانه‌ای منتقل شدند.

۴-۴- مناسک مجازی

جشن‌ها و اعیاد مذهبی هم به‌مانند مراسم سوگواری مذهبی به فضای مجازی منتقل شد. همچنین برای توزیع ندورات اطلاع‌رسانی در فضای مجازی کار توزیع را تسهیل کرده است.

۵-۴- خلق معناهای جدید

قرنطینه شدن انسان‌ها در دوران شیوع کرونا و محرومیت از ارتباطات حضوری باعث استفاده از رسانه‌ها و ادامه ارتباطات انسانی شد. همین جایگزینی از نظر ژئوک باعث خلق معناهای جدید شد تا محدودیت‌های ارتباطی مانع ارتباطات انسانی و اجتماعی نشود. رسانه‌های جایگزین^۱ مانند وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها، میکروبلگ‌ها و شبکه‌های

1 -Alternative

اجتماعی در کنار رسانه‌های جریان اصلی^۱ مانند رادیو و تلویزیون و مطبوعات به این خلق معناهای جدید کمک کردند.

۶- تغییر فاصله اجتماعی

اگر روزی افراد می‌توانستند با فاصله‌های کمتر از یک متر و نیم حریم صمیمی و حریم خودمانی-شخصی داشته باشند. اکنون باید حریم اجتماعی مشورتی با فاصله یک متر و ۲۰ سانتی‌متر و حریم عمومی با فاصله سه متر و ۶۰ سانتی‌متر و بیشتر را رعایت کنند. بنا به دستورالعمل‌های فاصله‌گذاری اجتماعی باید فاصله‌مان را از دیگران حفظ کنیم و پیاده‌روها، پارک‌ها و فروشگاه‌ها مکان‌هایی می‌شوند برای رفتارهای گیج‌کننده به‌منظور دوری کردن از دیگران، آیا مسیرمان را جوری منحرف می‌کنیم که از فردی که از روبرو می‌آید دور بمانیم؟ آیا این فاصله گرفتن از روی نزاکت و نشانه این است که می‌خواهیم دیگران مریض نشوند؟ یا این کار را برای دورماندن از خطری که آن‌ها برای ما دارند می‌کنیم؟ دیگران رفتار ما را چگونه تعبیر می‌کنند و ما چه برداشتی از رفتار آن‌ها می‌کنیم؟ آیا حفظ فاصله دو متر نشانه دوستی تلقی می‌شود یا دشمنی؟ آیا وقتی نه تب داریم نه سرفه خشک، واقعاً خودمان را برای دیگران خطرناک می‌دانیم؟ چگونه بدون بی‌احترامی کردن فاصله بگیریم.

آموزش سواد رسانه‌ای برای ارتباطات جایگزین

پس از مصاحبه مجازی با ۱۵ تن از مشارکت‌کنندگان شامل: استادان و کارشناسانی که تجربه مفید حداقل ۵ سال در آموزش سواد رسانه‌ای در ایران داشته‌اند شامل: ۸ تن از اعضای انجمن سواد رسانه‌ای ایران با حداقل مدرک کارشناسی‌ارشد؛ سه استاد جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران و علامه طباطبائی و چهار استاد ارتباطات از دانشگاه‌های امام صادق (علیه‌السلام) و سوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و دانشگاه صداوسیما، در پاسخ به پرسش: با توجه به دوران قرنطینه، محدود شدن ارتباطات انسانی (مانند بوسیدن، در آغوش گرفتن و دست‌دادن، محدودیت‌های اجتماعی (گردهمایی‌ها، مجالس سنتی عزاداری و جشن‌ها، مسابقات ورزشی و...) به

نظر شما چه نوع ارتباطی می‌تواند جایگزین شود و چه آموزشی برای افزایش سواد رسانه‌ای در جامعه لازم است؟ مشارکت‌کنندگان، مطالبی بیان کردند که پس از تعیین گزاره‌های اصلی و مرتبط به تحلیل مضامین آن‌ها پرداخته شد. در تحلیل مضامین آن‌ها ابتدا ۳۲ مضمون و سپس در تحلیل نهایی به ۶ مضمون دست یافتیم:

۱- ضرورت ارتباطات مجازی

همان‌گونه که الزامات هزاره سوم ایجاب می‌کند. مهاجرت به جامعه شبکه‌ای امری الزامی است که کرونا بر جوامع تحمیل کرد. این مهاجرت لاجرم موجبات برپا شدن زیرساخت‌های لازم برای محقق شدن این امر که هر کس، هر کجا، هر سرویس در هر زمان را دریافت کند. این هدف امری است که در کره جنوبی محقق شده است. زندگی در فضایی متفاوت که یک انقلاب تمدنی محسوب می‌شود به وقوع پیوسته و روزه‌روز به بلوغ خود نزدیک می‌شود. ارتباطات مجازی باید تقویت شود. لذا تقویت اینترنت می‌تواند تأثیرگذار باشد.

۲- خرید مجازی

خرید مجازی مهم‌ترین عامل کاهش ترافیک است، با سفارش دادن به فروشگاه‌های مجازی می‌توان از رفت‌وآمدهای غیرضروری به داخل شهر و شیوع ویروس کرونا جلوگیری کرد. سفرهای مجازی، زیارت‌های مجازی، سوگواری مجازی، آموزش مجازی، جلسات مجازی، درمان پزشکی مجازی، دیدارهای خانوادگی مجازی با تشکیل گروه‌های مجازی، خریدهای مجازی، نمایشگاه و موزه‌های مجازی، کتابخانه مجازی، خواندن کتاب‌های الکترونی، ما را از رفتن به شهرهای زیارتی، مجالس عزا و سرور، مدرسه و دانشگاه، خانه فامیل، مطب پزشکان، نمایشگاه و موزه و کتابخانه بی‌نیاز کرد.

۳- کاهش حمل و نقل

کاهش رفت‌وآمد علاوه بر حل مسئله ترافیک و آلودگی هوا و صرفه‌جویی در وقت شهروندان، از هزینه حمل‌ونقل درون‌شهری و برون‌شهری به نحو بی‌سابقه‌ای می‌کاهد. از این‌رو، با جلوگیری از تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها و انتقال آن‌ها به فضای مجازی از هزینه‌های فراوان ناشی از بیکاری افراد کاسته شد.

۴- کاهش دیدارهای حضوری

زیارت‌ها و سفرهای تفریحی و گردشگری، با راه‌اندازی زیارت و سفر مجازی باعث کاهش حضور افراد در مناطق دیگر و انتقال ویروس کرونا می‌شوند. در این زمینه، سوگواری مجازی، آموزش مجازی، جلسات مجازی، درمان پزشکی مجازی، دیدارهای خانوادگی مجازی با تشکیل گروه‌های مجازی، خریدهای مجازی، نمایشگاه و موزه‌های مجازی، کتابخانه مجازی، از عوامل مهم کاهش دیدارهای حضوری در جامعه بود.

۵- استفاده از فضای مجازی

استفاده از رسانه‌ها فضای مجازی برای ارتباطات حضوری مانند ویدئو چت در شبکه‌های اجتماعی، ویدئوهای کوتاه و اینفوگرافیک، پادکست‌ها و وودکست‌ها هم برای دیدار با والدین و هم انجام جلسات وینار در محل کار و مراسم‌های عزاداری و جشن‌ها جایگزین دیدارهای حضوری شدند.

۶- ضرورت سواد رسانه‌ای

انتشار اخبار جعلی^۱ در فضای مجازی، از آسیب‌های جدی است که کاربران برای مصون ماندن از هزینه‌های مادی و معنوی آن باید سواد رسانه‌ای کسب نمایند و در محتوای آموزشی سواد رسانه لازم است بینش و مهارت برخورد با مطالب و اخبار جعلی را بیاموزند. معیارهای گزینش خبر در شرایط بحران (آشوب و اضطراب) با شاخص‌های انتخاب در شرایط عادی متفاوت است. در این شرایط، حتی روش کار رسانه‌های حرفه‌ای، یعنی بازنشر اخبار صحیح و دقیق هم کار بسزا و بجایی نیست. چون باعث تشویش اذهان عمومی می‌شود.

ترویج سواد رسانه‌ای با محوریت اخلاق و مسئولیت اجتماعی، در این موضوع نیز می‌تواند یاریگر باشد. آموزش فعالیت‌های مشترک درون خانوادگی (مثلاً دیدن فیلم و غیره) و تلاش برای ارائه تحلیل‌های مناسب، استفاده از فضای تصویری مجازی برای برقراری «صله‌رحم مجازی» مهم است.

بحث و نتیجه گیری

از میان پاسخ‌ها، دکتر حمید ضیایی پرور در مصاحبه با محقق دسته‌بندی نسبتاً جامعی از موارد مرتبط با ارتباطات انسانی و اجتماعات حضوری و فیزیکی و ارتباطات جایگزین ارائه دادند که در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است. آموزش این موارد به مردم، به‌عنوان بخشی از سواد رسانه‌ای عمومی در حوزه بهداشت و سلامت ضروری است.

ردیف	ارتباطات انسانی و اجتماعات	ارتباطات جایگزین
۱	دست‌دادن	زدن آرنج‌ها به هم، دست‌دادن با مشت بسته، زدن پاها به هم
۲	بوسیدن	مصافحه از راه دور، ادای بوسیدن
۳	در آغوش گرفتن	فقط برای اعضای یک خانواده که در قرنطینه هستند توصیه می‌شود
۴	دوره‌می‌های دوستانه	با تعداد زیر ۴ نفر در فضای بسته برای مدت کمتر از یک ساعت
۵	دوره‌می‌های خانوادگی	دیدار در فضای باز مانند فضای سبز، پارک جنگلی، پیک‌نیک بیرون شهر
۶	سفرهای بیرون‌شهری	سفرهای یک‌روزه با تهیه آذوقه کامل از منزل، اقامت در مکان امن بدون همراهی اقوام و فامیل
۷	سفرهای درون‌شهری	استفاده از وسایل ارتباطی، سفر با ماشین شخصی
۸	بازار گردی و خرید	استفاده از استورهای آنلاین
۹	دیدار والدین و بستگان درجه یک	دیدار محدود ماهی یک‌بار با رعایت تدابیر بهداشتی، ترجیحاً در فضای باز و به مدت محدود
۱۰	سفر با وسایل نقلیه عمومی	ممنوعیت سفر با مترو و اتوبوس شهری، به حداقل رساندن استفاده از قطار بین‌شهری، عدم استفاده از هواپیما
۱۱	مجالس سنتی	استفاده از ابزارهای آنلاین و مجازی
۱۲	عزاداری‌ها (تشییع، تدفین، ختم، سالگرد)	اجتناب حضور افراد درجه‌دو در مراسم تشییع و تدفین، به تعویق انداختن مراسم ختم و سالگرد و اهدای هزینه آنها به امور خیریه

۱۳	جشن‌ها (جشن تولد، عروسی)	تعویض این‌گونه جشن‌ها تا استقرار شرایط عادی
۱۴	مسابقات ورزشی (استادیوم؛ زورخانه، باشگاه ورزشی)	برگزاری مسابقات ورزشی بدون حضور تماشاگر و مشاهده مسابقات از تلویزیون، ماهواره و فضای مجازی
۱۵	جلسات اداری	استفاده از ابزارهای ارتباط آنلاین مانند واتس آپ، ادوبی کانکت، اسکای روم
۱۶	شرکت در کلاس‌های آموزشی (دانشگاه و مدرسه)	برگزاری کلاس به صورت آنلاین، عدم حضور دانش آموزان و دانشجویان
۱۷	گردهمایی‌های صنفی؛ سازمانی، سیاسی	جایگزین کردن با ابزارهای ارتباط آنلاین
۱۸	سینما، تئاتر	استفاده از وی او دی‌ها و آی پی تی وی ها و فیلم‌های اکراین آنلاین و نرفتن به سینما
۱۹	خرید مواد غذایی و نان	رعایت تدابیر بهداشتی و خرید در زمان‌ها و مکان‌های خلوت
۲۰	مراجعه به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها	فقط در مواقع اضطراری و اورژانسی با رعایت تدابیر کامل بهداشتی

جدول ۱- ارتباطات جایگزین برای آموزش سواد رسانه‌ای

همچنین در تحلیل مضامین نظرات و تجربیات ده صاحب‌نظر مذکور به ۶ مضمون اصلی و ۸ زیر مضمون دست‌یافتیم. مضامین اصلی و فرعی شامل: ۱-افزایش دانایی انسان‌ها ۲-حکومت‌ها و کرونا با دو زیرمضمون: محدودیت دمکراسی و حفظ دموکراسی، ۳-تغییر کسب‌وکارها با دو زیرمضمون: کسب‌وکار حضوری و کسب و کار مجازی، ۴-دین و عبادت با چهار مضمون فرعی: عبادت مجازی، زیارت مجازی، سوگواری مجازی، اعیاد مجازی مذهبی، ۵-خلق معناهای جدید و ۶-تغییر فاصله اجتماعی.

اگر روزی افراد می‌توانستند با فاصله‌های کمتر از یک متر ونیم حریم صمیمی و

حریم خودمانی-شخصی داشته باشند. اکنون باید حریم اجتماعی مشورتی با فاصله یک متر و ۲۰ سانتی‌متر و حریم عمومی با فاصله سه متر و ۶۰ سانتی‌متر و بیشتر را رعایت کنند.

پس از شناخت مضامین پدیده ویروس کرونا، محقق در مصاحبه با ۱۵ تن از استادان علوم ارتباطات که حداقل ۵ سال سابقه آموزش سواد رسانه‌ای در ایران را داشتند، الزامات سواد رسانه‌ای برای کاهش و یا توقف شیوع ویروس کرونا (کووید-۱۹) را گردآوری کرد که حاصل تحلیل اولیه و ثانویه محتوای مصاحبه‌ها ۶ مضمون اصلی است، شامل: ۱- ضرورت ارتباطات مجازی، ۲- کاهش رفت‌وآمد و حمل‌ونقل، ۳- کاهش هزینه‌ها، ۴- کاهش دیدارهای حضوری، ۵- استفاده از فضای مجازی و ۶- آموزش. محتوای پیشنهادی با ۲۰ دستورالعمل برای سواد رسانه‌ای که عمدتاً بر رعایت فاصله اجتماعی تأکید دارند.

کتابنامه

۱. آگامبن، جورجو (۱۳۹۹). وضعیت استثنائی کرونایی. در:
<https://www.radiozamaneh.com/491348>
۲. اعرابی، سیدمحمد و حسن بودلایی (۱۳۹۰). استراتژی تحقیق پدیدارشناسی. فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۶۸، پائیز.
۳. بودلایی، حسن (۱۳۹۸). روش تحقیق پدیدارشناسی. تهران: اندیشه احسان.
۴. تسلیمی تهرانی، رضا (۱۳۹۹). عزاداری مجازی در دوران همه‌گیری کرونا. در: کرونا و جامعه ایران، سویه‌های فرهنگی و اجتماعی (مجموعه مقالات) خرداد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۵. ژینک، اسلاوی (۱۳۹۹). ویروس ایدئولوژی. در
<http://farhangemrooz.com/news/61683>
۶. حسینی، حسن (۱۳۹۹). کرونا، فاصله‌گذاری اجتماعی و فرهنگ ویدیویی پلتفرمی. در: کرونا و جامعه ایران، سویه‌های فرهنگی و اجتماعی (مجموعه مقالات) خرداد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۷. ریچموند، ویرجینیایی و جیمز سی. مک کروسکی (۱۳۸۷). رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی در سنانه ارتباطات غیرکلامی (فاطمه سادات موسوی و ژبلا عبدالله پور، مترجمان). با ویراستاری غلامرضا آذری، تهران: نشر دانژه.
۸. ژینک، اسلاوی (۱۳۹۹). پاندمی کرونا دنیا را تکان می‌دهد (نوید گرگین، مترجم). تهران: نشر شب‌خیز.
۹. شاپین، استیون (۱۳۹۹). سناریوهای کووید-۱۹. ماهنامه اندیشه پویا، شماره ۶۶، خرداد
۱۰. صانعی، اشرف السادات؛ نیکبخت نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۲). روش‌شناسی تحقیقات کیفی در علوم پزشکی. تهران: انتشارات برای فردا.
۱۱. علوی گرگانی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۹). کار دین هدایتگری است نه درمان بیماری، منطق دینی رجوع به متخصص. ماهنامه عصر اندیشه، شماره ۲۳، تیرماه.
۱۲. فلاح، مهدی و همکاران (۱۳۹۳). مطالعه پدیدارشناسانه سبک زندگی جوانان در شهر تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۳، پائیز.
۱۳. لگرین، فیلیپ (۱۳۹۹). پایان دنیای جهانی شده‌ای که می‌شناسیم. ماهنامه اندیشه پویا، شماره ۶۶، خرداد.
۱۴. مونکلر، هر فرید (۱۳۹۹). بحران کرونا و تأثیر آن بر نظام‌های سیاسی. در
<https://www.radiozamaneh.com/496461>

۱۵. ناصر مقدسی، عبدالرضا (۱۳۹۹). جهان بدنی و آخرالزمان کرونایی. تهران: لوگوس.
۱۶. نانسی، ژان لوک (۱۳۹۹). استثناء ویروسی شده. در:
<https://www.radiozamaneh.com/491646>
۱۷. ویرنو، پائولو (۱۳۹۰). عقل عمومی، خروج، چندگانگی. در:
<https://www.radiozamaneh.com/491482>
۱۸. هابرماس، یورگن (۱۳۹۹). ویروس کرونا آگاهی انسان را نسبت به نادانی خود افزود. در
<https://www.rfi.fr/fa>
۱۹. هاروی، دیوید (۱۳۹۹). سیاست ضد سرمایه‌داری در دوران کووید-۱۹ (مریم وحدتی، مترجم). در:
<http://davidharvey.org/2020/03/anti-capitalist-politics-in-the-time-of-covid-19/>
20. Benner P. Interpretive phenomenology: embodiment, caring, and ethics in health and illness. Thousand Oaks, CA: Sage Publications; 1994.
21. Boyatzis, R. E. (1998). Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development. Sage.
22. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101
23. Glaser, B.G. and Strauss, A.L. (1967), *the Discovery of Grounded Theory: Strategies*, SAGE.
24. Strauss, A.L. Corbin, J. (1998), *Basic of Qualitative Research* (2nd edn). London: for Qualitative Research. New York: Aldine.
25. Venderstoep. W, Scott. (2009). "research method for everyday life .blending qualitative approach" by john willy & sons, inc.